

به نام خدا

از مجموعه نگاه‌ها "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنگه بگو که هستی؟

(۳۷) پژوهش (۲)

آن آشنا پرسید:

- آیا در بزرگسالی به دنبال علمِ هوا فضا، به ویژه دانشِ پرتابِ ماهواره ها، رفتید؟

گفتم:

- مدت ها سعی کردم که گفته های دانشمندان را در این زمینه بخوانم، ولی از آن جا که ایشان نتایج پژوهش

هایشان را به زبانِ پیچیده ریاضی ارائه می کردند، آن چه می گفتند برایم یک کتابِ بسته بود و من از آن سر

در نمی آوردم.

افزودم:

- البته در علم شیمی با مقوله ای شبیه به پرتاب توپ آشنا شدم؛

آن جا گفته می شد که با دادن انرژی به الکترون ها می توان آن ها را به مدار های بالاتر و دورتر از هسته

اتم رساند.

موضوع الکترون و هسته اتم مرا به یادِ قمرِ مصنوعی و زمین می انداخت.

فرمود:

- چرا اصرار داشتید که در رابطه با پرتاب توپ ها و ماهواره ها پژوهشگر شوید؟

می توانستید از میانِ مباحثِ فراوانی که برای پژوهش وجود دارد یک موضوعِ دیگر را انتخاب کنید.

گفتم:

- من فردی کمال گرا هستم. از این رو همیشه دلم می خواست یک پژوهشگرِ ترازِ اول در خصوصِ یک

موضوعِ بسیار مهم باشم، اما متأسفانه هرگز نمی دانستم به چه پژوهشی بپردازم که چشمگیر باشد و به همین

علت سرگشته و بیهوده مرتباً از این شاخه به آن شاخه می پریدم.

پرسیدم:

- آیا شما می توانید مرا راهنمایی کنید که چگونه می توانم به آن رتبه بالا در پژوهشگری دست پیدا کنم؟

فرمود:

- گرچه کمال گرایی فی نفسه بد نیست

ولی

نگارگری که می خواهد از همان ابتدا همه آثارش شاهکار باشند بوم نقاشی اش تا پایان عمرش سفید می ماند.

یک فرد کمال گرا نیز ممکن است در طول عمر خویش بر بوم زندگی اش چیز چشمگیری ترسیم نکند مگر آن دسته از کمال گرایانی که کمال راستین را می جویند.

ادامه داد:

- رتبه هر پژوهشگر در میان دیگر دانشمندان بر اساس میزان اهمیتی است که پژوهش او دارد

و

اهمیت هر پژوهش هم به موضوع آن بستگی دارد.

به دیگر سخن،

این که پژوهش های یک دانشمند تا چه حد در رفع نیازهای واقعی انسان ها مؤثر است، میزان اهمیت پژوهش او و جایگاه خود او را در جرگه پژوهشگران تعیین می کند.

افزود:

- حتی درآمد آن گروه از پژوهشگرانی که پژوهیدن شغل آن هاست هم به میزان این رفع نیاز وابسته است. یک چنین پژوهشگری در رشته پژوهشی خود، بین شاخه های مختلف دست به گزینش می زند و گراپیشی را انتخاب می کند که برایش عایدی بیشتری دارد .

گفتم:

- نباید از این بابت او را سرزنش کنیم.

اگر من یک پرنده شناس باشم و بخواهم که از این راه امرار معاش کنم، بین پژوهش درباره قناری ها و گنجشک ها بی شک اولی را انتخاب می کنم

چون

خیلی احتمال دارد که افرادی مرتباً به من مراجعه کنند و با پرداخت دستمزد از من بخواهند که بروم و ببینم که چرا چندی است که قناری هایشان سرحال نیستند و مثل گذشته نمی خوانند ولی

اگر روزی کسی پیدا شود که حاضر باشد پول خوبی به من بدهد تا بروم و ببینم که چرا چند روز است گنجشک های محله شان مثل گذشته جیک جیک نمی کنند به عقل او شک می کنم.

پرسیدم:

- مهمترین موضوع برای پژوهش چیست؟

در پاسخ فرمود:

- مهمترین موضوع برای پژوهش چیست.

گفتم:

- چرا به جای جواب دادن به سؤال من، عیناً آن را تکرار می کنید؟

فرمود:

- من به پرسش شما پاسخ دادم؛ آن را تکرار نکردم.

گاهی پاسخ یک سؤال دقیقاً شبیه به خود آن سؤال است

به زبان دیگر

گاهی یک پرسش، خود، پاسخ خودش است

و پرسش شما از همین نوع سؤال ها بود.

با دیدن نشانه های تعجب و ابهام در نگاهم، توضیح داد:

- این پرسش که مهمترین موضوع برای پژوهش چیست خود نکته ای است که نه تنها نیازمند کار پژوهشی

است بلکه از جمله مهمترین و ضروری ترین موضوعات پژوهشی به شمار می آید.

و

به جرأت می توان گفت که تا کنون اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران از پژوهش در باره این پرسش مهم

غافل مانده اند.

فرمود:

- آن چه گفته شد مربوط به حوزه پژوهش بود.

پژوهش های علمی با وادی واقعیات سر و کار دارند.

اما

در رابطه با ساحت حقایق، بررسی های خاصی، موسوم به تحقیق، در سطحی بسیار بالاتر از پژوهش های

علمی، به خواست "او"، توسط انسان هایی که "او" بر می گزیند، انجام می شود.

گفتم:

- ولی شما هنوز دقیقاً نگفته اید که محققان، در بررسی هایشان، به دنبال کشف چه حقایقی هستند؟

فرمود:

- نسبت به آن چه تا کنون در گفتگوهایمان، به خواست خدا، شنیده اید شاکر باشید.

ضمناً صبور هم باشید

چون، اگر خدا خواهد،

بسیاری از این حقایق، موضوع مکالمات آتی ما خواهند بود.

افزود:

- تحقیق از جنس سلوک است

زیرا

جستجوی حق و حقایق بخشی مهم از وظایف یک سالک الی الله است.

فراموش نکنید که

محقق در مقام یک سالک باید صابر و شاکر باشد

چون

صبر و شکر شروطی لازم برای سلوک راستین اند.

ادامه دارد